



# تمدن دره سند

در طی مسیر خود به تمدن دیگری در مشرق فلات ایران می‌رسیم که از لحاظ قدمت شهرنشینی، متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد مسیح است. این تمدن به تمدن دره سند Indus vally اشتهار دارد. مکانهای عمده این فرهنگ به نام‌های محلی هاراپا " Harappa " و موهنجودارو " Mohenjodaro " معرفی شده‌اند و ناحیه‌ای است از رویار " Rupar " در سیملا " simla " تا سوتکاجن دور " sutkagendor "، با وسعتی در حدود ۱۶۰۰ کیلومتر. این سرزمین در غرب هند، و به صورت مثلثی است که مساحتی در حدود یک میلیون کیلومتر مربع را می‌پوشاند.

هاراپا در شمال و مرکز پنجاب از گروه شهرهای شمالی بوده و جزء بی‌شمار نقاطی است که در کنار رودخانه‌های فرعی منشعب به رود سند واقع شده است. موهنجو دارو با فاصله ۶۰۰ کیلومتری در پائین هاراپا قرار گرفته و مرکزیت خود ناحیه سند را داراست و هوایی گرم و مرطوب دارد. اینطور به نظر می‌رسد که در گذشته دور، پوشش گیاهی متناسبی که نیاز به باران بیشتر داشته در این منطقه وجود داشته، که زیستگاه حیواناتی چون فیل، کرگدن، ببر و میمون بوده که به تدریج با تغییر آب و هوا زیستگاه را ترک نموده‌اند. طغیانهای رود سند، همانند سایر

رودخانه‌های غرب آسیا، نامنظم بوده، چنانچه طی حفاریهای انجام شده این موضوع کاملاً به اثبات رسیده و اینطور به نظر می‌آید که اقوام ساکن چه مخاطراتی را برای مهار این طغیان‌ها تحمل نموده و در نتیجه چه استحکاماتی برای مقابله آن تدارک دیده‌اند.

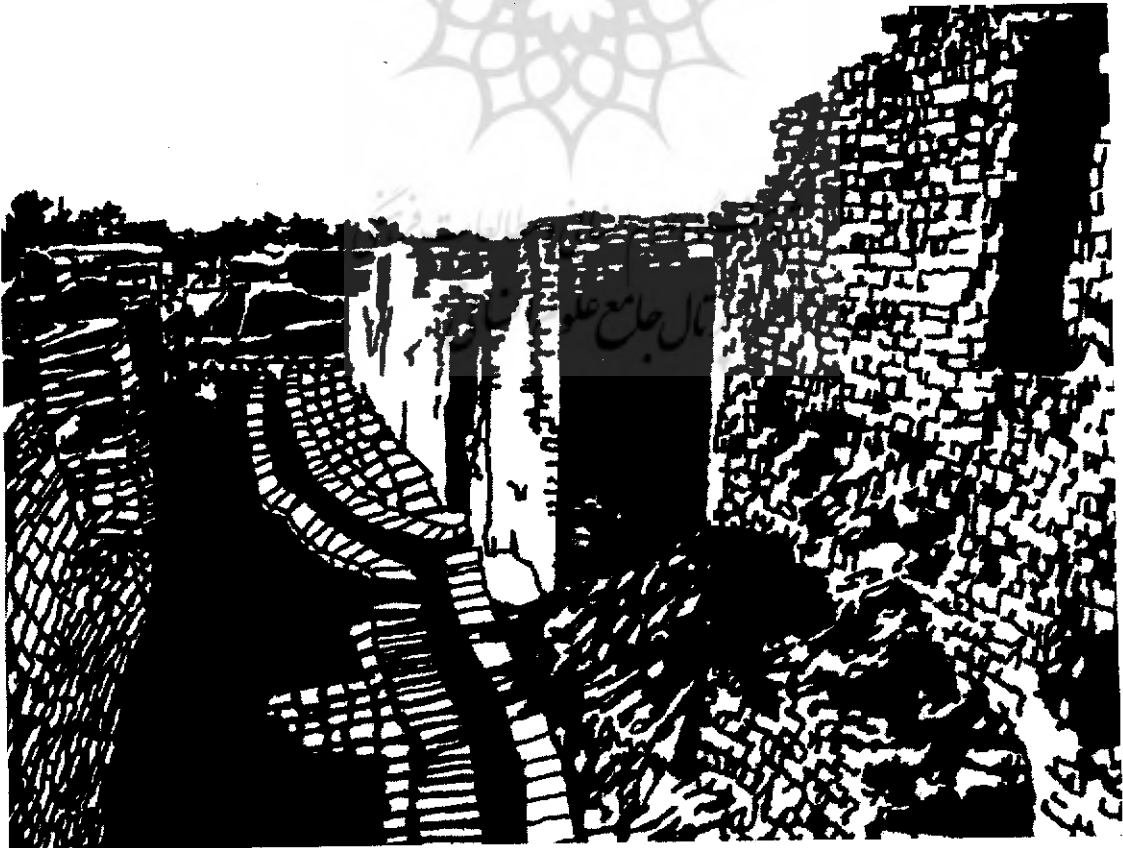
بیشتر مورخین تا سال ۱۹۲۰ میلادی، متفقاً بر این عقیده بودند که آغاز تمدن و شهرنشینی در دو ناحیه مصر و بین‌النهرین بوده است. ایشان تقریباً از تاریخ کهن درّه سند بی اطلاع بودند و سوابق این فرهنگ را تا پنج قرن قبل از میلاد مسیح، ثبت نموده بودند.

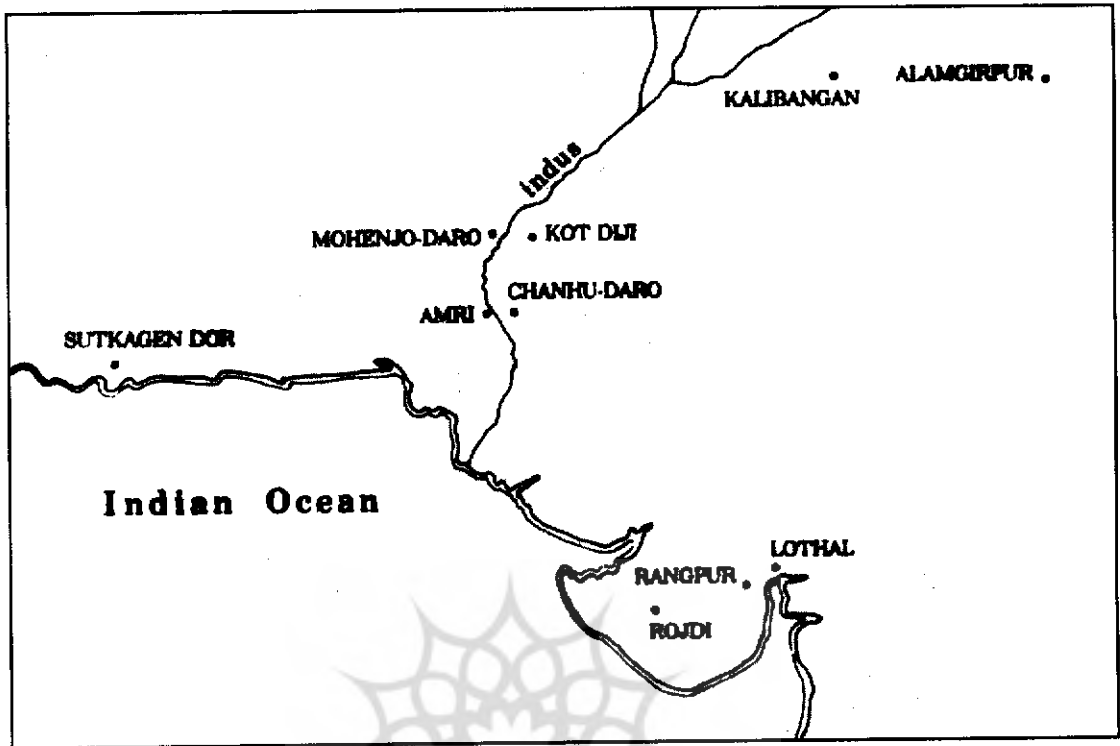
در این سال باستانشناس معروف انگلیسی، سرجان مارشال، با کشفیات پی‌گیر و حیرت‌آور خود قدمت این منطقه کهن را به حدود اواسط هزاره سوم قبل از میلاد به عقب برد و به جهانیان نشان داد که

مناطق هاراپا و موهنجودارو که در دل خاکهای ناحیه سند نهفته‌اند، تاریخی در حدود ۱۸۰۰ - ۲۴۰۰ ق.م را به دنبال دارند. این منطقه از لحاظ گستردگی و پراکندگی شهرک‌ها و شهرها و قصبه‌هایی که بسیاری از آنها هنوز حفاری نشده‌اند، شاید حدود چهار برابر منطقه سومر باستان در بین‌النهرین می‌باشد.

در موهنجودارو، استحکاماتی شناسائی شده که شامل برجهای محکم آجری و باروهای سترگ و همچنین حمام بزرگ و انبار غله و ساختمانهایی برای اجتماعات یا حتی «مدرسه» و از جانب دیگر وجود خانه‌های دو طبقه و خیابانهای متقاطع و آبریزگاههای عمومی و بسیاری از این نوع معماری، نشان می‌دهد که اقوام ساکن در این شهرها از تمدن پیشرفته‌ای برخوردار بودند.

بررسی و مطالعه این نوع معماری و شهرنشینی





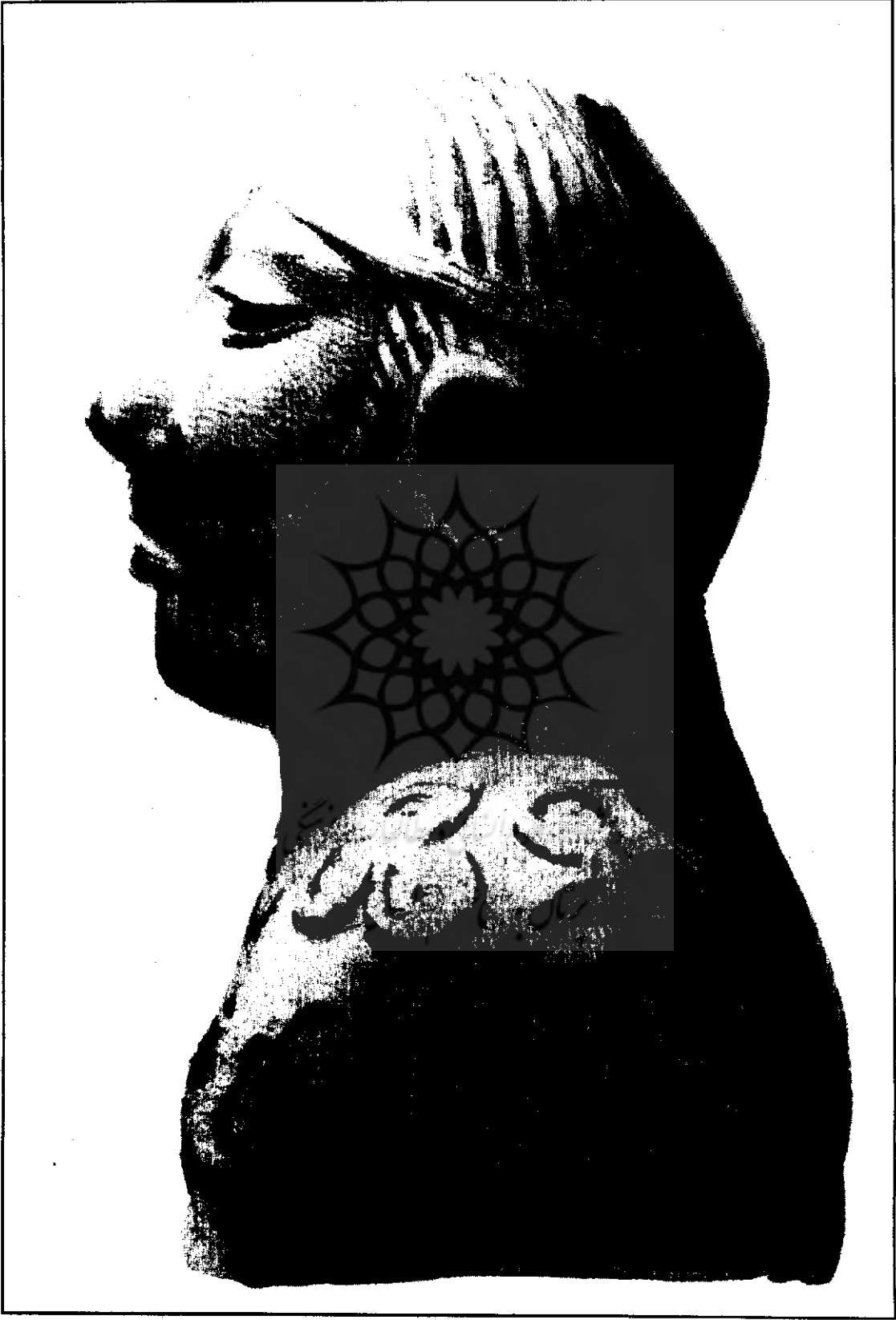
بسیار با اهمیت می باشد، زیرا می توان شیوه زندگی اهالی و نحوه ارتباطشان با یکدیگر و نیز فعالیت آنها را در زندگانی روزمره مورد مطالعه قرار داد.

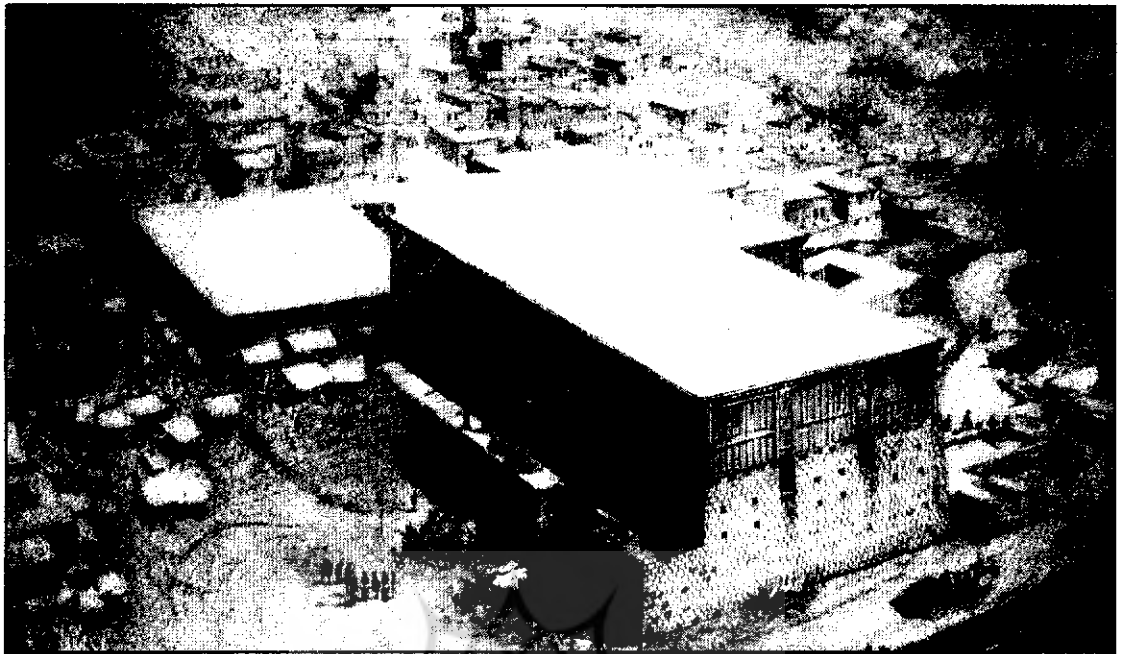
نظر می رسد که به احتمال زیاد، آنان از یک طرز زندگی اشتراکی برخوردار بودند زیرا انبار غله هائی یافت شده اند که این امر را به اثبات می رساند. محصول مورد نیاز اهالی در این مکان ها انبار می شده و به تدریج تقسیم می گردیده و مازاد محصول نیز بر طبق یک اصول منظم اقتصادی تبادل می شده است. این نظام اقتصادی پیشرفته، اولین قراردادهای اجتماعی در آن عصر کهن را به اثبات می رساند و احتمالاً کنترل و نظارت در این امر زیر نظر بزرگان و قدرتمندان پرستشگاهائی بوده که جایگاه مهمی از لحاظ اداره این جوامع شهرنشینی داشته اند.

می توان اینگونه بیان نمود که یک نظام دقیق معماری این شبکه ارتباطی را طراحی نموده که در آن ادوار کهن روزگار کاملاً نادر بوده.

سیستم آب رسانی و فاضلاب یکی دیگر از شکفت انگیزترین مسائل آن دوران محسوب می شده که البته نظر می رسد در آن عصر، در این ناحیه بیش از امروز، هوا مرطوب و بارانی بوده و معماران موهنجو دارو و هاراپا برای این منظور از چنین ابتکاراتی استفاده







میلا، با یورش‌های پی‌درپی مهاجمان هند و اروپائی، که نیاکان مردم امروزی هند می‌باشند از میان رفته‌اند. البته این عقیده برخی از دیرینه نگاران می‌باشد و می‌توان عقاید دیگران را در این زمینه، مورد توجه قرار داد. از جمله اینکه، برخی حدس می‌زنند پوشش گیاهی منطقه به طور ناگهانی از میان رفته و یا رخنه آبهای نمک دار زیرزمینی، کشاورزی را مختل نموده و یا شاید بیماری مهلک همگانی و یا عوامل دیگر موجب خاموش شدن تمدن این سرزمین شده است.

آثار و علائم نوشتاری که تاکنون خوانده نشده است حکایت از آن دارد که حتی پانصد سال قبل از مردم چین، این مردمان از خطوط و علائم نوشتاری بهره‌مند بودند.

درباره اهمیت و بزرگی این دو شهر (هاراپا و موهنجودارو)، که در دنیای باستان دو پایتخت عمده به شمار می‌رفتند، همین قدر کافی است که بگوئیم می‌توان آنها را تا حدودی با شهر «اوروک» که در دوره دودمان آغازین سومری در بین‌النهرین واقع بوده و مساحتی در حدود ۴۵۰ هکتار داشته، مقایسه نمود.

می‌گرفته‌اند. از طرفی طغیان‌های سالانه رود سند، که امروزه هم خسارات زیادی را پدید می‌آورد، در آن عصر نیز موجب ویرانی و ایجاد خسارات بوده که در این مورد هم نشانه‌هایی وجود دارد. و برای هدایت این آبهای خروشان، کانالهای بیشمار زیر زمینی تعبیه نموده بودند. آنچه که بیشتر جلب توجه می‌کند وجود آجرهای محکم در پی و نمای بناها و خشت خام در میانه دیوارهای سترگ است.

منبع عظیم آجر در ویرانه‌های موهنجودارو آنقدر غنی بوده که بی‌رحمانه برای ایجاد خط آهن لاهور به پنجاب (در پاکستان امروزی) به کار رفت و البته موجب متلاشی شدن آثار ارزشمند این شهر کهنسال گردید.

از آثار دیگر معماری این ناحیه قلعه آجری عظیمی می‌باشد که ارتفاع آن حدود ۱۵ متر می‌باشد. سنگرهای دفاعی نیز از طرف ساکنان برای مقابله با تهاجمات ساخته شده است و این امر می‌رساند که این شهر غنی، پیوسته مورد دستبرد قرار داشته و در معرض خطر چپاول و غارت بوده.

بهرحال، با مطالعه آثار ویرانه‌ها، به نظر می‌رسد که این دو شهر کهن در حدود قرن هجدهم قبل از